

بناخ خدا

روش بحث در کلاس

معلم از هر روش یا الگویی که در تدریس استفاده کند، با مواردی برافورد خواهد کرد که باید درباره آنها با دانش آموزان بحث کند. این روش، الگوی تدریس مستقلی نیست، بلکه راهبرد یا جریانی از مراحل تدریس است که در اغلب الگوهای تدریس به کار می رود. با وجود این، در معرفی این راهبرد، از اصول کلی مشابه الگوهای تدریس استفاده شده است؛ یعنی ابتدا، مبانی نظری آن و سپس کاربرد عملی آن تشریح می شود.

در زبان انگلیسی، ((discussion)) و ((discourse)) به طور مترادف به کار می روند. در فرهنگهای انگلیسی این واژه گان چنین تعریف شده اند: اشتغال به یک مبادله کلامی منظم و اظهار نظر درباره موضوعات ویژه. معلمان (در جوامع غربی، بویژه انگلیسی زبان) تمایل دارند که واژه (discussion) را به کار برند، اما دانشمندان علوم تربیتی و پژوهشگران تمایل بیشتری دارند که از واژه discourse استفاده کنند و آن را جامعتر از واژه قبلی می دانند در زبان فارسی این واژه به سخنرانی، خطابه، نطق، موعظه، خطبه، بحث و گفتگو معنی شده است (باطنی ۱۳۷۱)

برای پی بردن بیشتر به معنی discourse می توانیم به روابط روزمره افراد اشاره کنیم که همین امر نیازمند استفاده از زبان و مهارتهای ارتباطی است؛ مانند دوستیها که با ارتباطهای کلامی آغاز می شود و استمرار می یابند، افراد که در تبادل افکار و تجارب با یکدیگر سخن می گویند و بحث می کنند، اعضای خانواده، نوجوانان و جوانان که با به کارگیری ارتباطهای کلامی، با

یکدیگر ارتباط برقرار می کنند؛ همچنین بحث و گفتگو در مجالس و ضیافتها، رسانه های ارتباط جمعی و شبکه های رایانه ای امری رایج و متداول است.

صحبت کردن مردم در کلاس:

بحث و گفتگو در کلاسها، نقش مهمی دارد، زیرا بیان شفاهی وسیله تدریس است. در این باره، پژوهشگران در یافته اند که اکثر معلمان در کلاس، زیاد صحبت می کنند و نیز در اغلب کلاسها یک انگاره یا طرح اساسی ارتباطی وجود دارد، که این طرح ارتباطی نمی تواند بهترین طرح برای ارتقای اندیشه دانش آموز باشد. پژوهشگران، این طرح کلامی را (درس پرسیدن و درس جواب دادن) نامگذاری کرده اند و آن را یک فعالیت تدریس می دانند که دانش آموزان در قالب کل کلاس با سوا لهایی که معلم طرح می کند و پاسفهایی که آنان می دهند، به تمرین می پردازند؛ این طرح ارتباطی و کلامی همچنان در همه نظامهای آموزشی کشورها برقرار است.

سؤال کردن معلم:

آموختن درس (به شیوه مفاظ کردن) مبتنی است بر صحبت و سؤال کردن معلم. پژوهشگران طی سالهای متمادی، نوع سؤال و شیوه های سؤال کردن معلمان را بررسی کرده اند؛ از جمله ریچارد آرنز نتیجه تحقیقات و بررسیهای مارک گال (۱۹۷۰) را، که در چند مرحله به شیوه سؤال کردن معلمان پرداخته است، بدین شرح ارائه می دهد:

به طور معمول، معلمان، هنگام تدریس سؤالهای زیادی میکنند. استینوس در سال ۱۹۱۲، تخمین زد که ۴/۵ از اوقات مدرسه به یادگیری با روش سؤال و جواب اختصاص دارد. او در یک نمونه آماری از دبیران دبیرستانها به

این نتیجه رسید که هر معلم به طور متوسط در یک روز، ۳۹۵ سؤال از دانش آموزان می‌کند. همچنین، تحقیقات انجام شده در دهه ۱۹۶۰ نیز، نتایج مشابهی به دست داده اند (آرندز، ۱۹۹۴، ص ۳۹۸).

حال باید این سؤال را مطرح کرد که طرح پرسشهای زیاد در یادگیری دانش آموزان چه نتایجی دارد؟ بخصوص، سؤالهای ساده عینی و سؤالهای پیچیده، که برای سطوح بالای میطه شناختی طرح می‌شوند، چه تاثیری در یادگیری دانش آموزان خواهد داشت؟

نتایج تحقیقات در مورد دو نوع سؤال فوق، چنین نشان می‌دهند که از یک سو، تاکید بر طرح سؤالهای ساده برای پیشرفت دانش آموزان ممره و ضعیف موثرتر است و در نتیجه به تسلط آنان در مهارتهای پایه می‌انجامد و از سوی دیگر، تاکید بر طرح سؤالهای پیچیده برای سطوح بالای میطه شناختی و برای دانش آموزان متوسط و قوی موثر است؛ بخصوص در شروع دوره متوسطه که در این مرحله، دانش آموزان به مرحله فکری بیشتری نیاز دارند. (آرندز، ۱۹۹۴، ص ۳۹۰).

امروزه، روش بحث و گفتگو به شکلهای مختلف، بیشترین کاربرد را در امر تدریس معلمان دارد؛ زیرا با این روش، از صمیمیت یکجانبه معلم کاسته می‌شود و بر مشارکت بیشتر دانش آموزان در اندیشیدن به مسائل و کشف کردن آنها افزوده می‌شود. طی سالها، بحث در کلاس گزینه ای بود که به جای سخنرانی از آن استفاده می‌شد و همواره بین معلمان و پژوهشگران علوم تربیتی در مورد مزیت و اثر بخشی یکی بر دیگری مجادله می‌شد، اما امروزه، دیدگاه معاصر، بحث کردن در کلاس را در مقابل سایر راهبردها یا الگوها قرار نمی‌دهد، بلکه آن را راهبردی می‌داند که بتنهایی عمل نمی‌کند و می‌تواند همراه با همه الگوهای تدریس و نیز در موقعیتهای متنوع به کار رود. همچنین

اینکه در چه مواقعی از بمت استفاده شود، به تشخیص معلم در جریان تدریس بستگی دارد.

آثار آموزشی روش بمت:

معلمان راهبرد بمت در کلاس را مداخل برای نیل به سه هدف عمده آموزشی به کار می برند:

۱) رشد تفکر در دانش آموزان و کمک به آنان برای اینکه خود، سازنده معنای محتوای درس باشند؛ گرچه بمت کردن درباره موضوعی الزاماً موجب درک و فهم دانش آموزان نمی شود، سافتکارهای شناختی موجود دانش آموزان را تقویت می کند و به آنان یاری می دهد تا توانایی اندیشیدن خود را افزایش دهند.

۲) توسعه اشتغال ورزی دانش آموزان به فعالیتهای یادگیری، تمقیقات تجارب معلمان نشان می دهد که برای تمقق یادگیری، دانش آموزان باید مسئولیت بپذیرند و تنها به معلم متکی نباشند؛ بنابراین، استفاده از روش بمت و گفتگو یکی از راههای رسیدن به این هدف است.

۳) کمک به دانش آموزان در راستای یادگیری مهارتهای مهم ارتباطی و فرایندهای اندیشیدن. از آنجا که بمت در حضور جمع انجام می شود، فرصتهایی پدید می آیند تا معلم به افکار دانش آموزان و نحوه یادگیری آنان پی ببرد. افزون بر آن، بمت کردن در کلاس برای معلمان موقیتهایی فراهم می کند تا دانش آموزان را برای تملیل اندیشه های خود و کسب یا تقویت مهارتهای ارتباطی، مانند اظهار نظر، گوش دادن و خوب سؤال کردن یاری دهد.

ویژگیهای روش بحث در کلاس :

از آنجا که این روش در همه زمینه های تدریس نقش محوری دارد، جدا کردن آن از سایر وظایف اجرایی و آموزشی معلم دشوار است؛ با وجود این، همانند الگوهای تدریس ویژگیهای خود را به عنوان یک رویکرد آموزشی دارد.

ویژگیهای مشترکی در بحث :

در بحث کردن، صحبت دانش آموز و معلم، هر دو، لازم است. از دانش آموزان انتظار می رود که درباره مواد تحصیلی وارد گفتگو و مکالمه شوند.

از دانش آموزان و معلمان انتظار می رود که اندیشه ها و نظر های خود را برای همه افراد کلاس ابراز کنند. زیرا از یک سو، برای دانش آموزان فرصتهای عمومی پیش می آیند که می توانند افکار خود را بر زبان آورند، همچنین این انگیزه در آنان تقویت می شود که از محدوده کلاس فراتر رفته، خارج از آن بحث کنند.

راهبردهای بحث : به طور کلی، همه الگوها و روشهای تدریس به راهبرد بحث نیاز دارند. روش بحث کردن به فضا و امکانات کلاس بستگی دارد؛ با وجود این، مهمترین موارد استفاده از آن، بدین قرار است.

۱- هنگام استفاده از الگوهای تدریس، مانند الگوهای ارائه مستقیم،

آموزش مفهومی و یادگیری مشارکتی (ر. ک . : فصل ششم)

۲- هنگامی که دانش آموزان، طبق خواسته معلم ، خودشان مطلبی را

مطالعه کرده و فرا گرفته اند و معلم می خواهد از یادگیری آنان

اطمینان حاصل کند و اشکالت احتمالی را بر طرف سازد.

۳- هنگامی که معلم بخواهد با بحث و گفتگو، مهارتهای اکتشافی و کاوشگری دانش آموزان را تقویت کند.

۴- برای تبادل تجربه و رسیدن به تفاهم مشترک و نیز آموختن نحوه (ویارویی با عقاید متفاوت).

مراحل به کار گیری راهبردهای بحث :

این مراحل به وظایف و فعالیتهای معلم، قبل از بحث، ضمن بحث و پس از آن تقسیم می شوند.

الف) قبل از بحث: به نظر برفی از معلمان، بحث کردن امری است اتفاقی و غیر قابل پیش بینی که نمی توان از قبل آن را برنامه ریزی کرد؛ اما این عقیده نادرست است، زیرا آن هم مانند سایر فعالیتهای آموزشی به برنامه ریزی و طراحی قبلی نیاز دارد. بنابراین، معلم قبل از رفتن به کلاس باید این مراحل را طی کند:

۱) تعیین هدف بحث : اولین گام در برنامه ریزی برای استفاده از راهبرد بحث این است که درباره لزوم و تناسب بحث با درس مورد نظر تصمیم گرفته شود. دومین گام آماده کردن درس و تصمیم گیری درباره نوع بحث است. همانطور که گفتیم، بحث در کلاس می تواند بتنهایی به عنوان یک راهبرد آموزشی به کار رود، اما در بیشتر موارد برای اجرای سایر روشها و الگوهای تدریس استفاده می شود. بنابراین، برنامه ریزی برای بحث مستلزم تعیین هدفهای دقیق آن است هر چند هدفهای ویژه بحث بی شمارند، معلمان، به طور کلی، هدفهایی بدین قرار را دنبال می کنند :

مصول اطمینان از یادگیری و فهمیدن درس و مطالب مطالعه شده با بحث و گفتگو.

تقویت مهارت‌های اکتشافی و کاوشگری در آموزش مهارت‌های فکری. سهیم شدن در تجارب و رسیدن به فهم مشترک.

۲) در نظر گرفتن دانش آموزان : معلمان برای استفاده از (راهبرد بحث در کلاس، باید به مهارت‌های دانش آموزان در بحث کردن و توانایی آنان در برقراری ارتباط با یکدیگر توجه کنند. همچنین آنان باید چگونگی واکنش عده ای از دانش آموزان را نسبت به سئوالهایی که برای بحث مطرح می شوند در نظر گیرند. معلمان باید پیش بینی کنند که ممکن است برفی از دانش آموزان بخواهند تمام مدت اختصاص یافته به بحث را صحبت کنند؛ بنابراین ، به هنگام برنامه ریزی کردن برای بحث، اجرای روشهایی که موجب شرکت بیشتر دانش آموزان در بحث می شود اهمیت دارد.

۳) استفاده از فضا برای بحث کردن : ترتیب نشستن دانش آموزان کلاس، بر الگوهای ارتباطی آنان تاثیر می گذارد. بهترین حالت و شکل قرار گرفتن صندلیها در کلاس، شکلهای U و دایره ای است؛ زیرا در این دو حالت، دانش آموزان می توانند یکدیگر را ببینند و این وضعیت مناسب و معایب فاص فود را دارد.

در وضعیت U که معلم در قسمت باز آن قرار میگیرد، اقتداری بیشتری در کلاس دارد، بخصوص زمانی که او با گروهی از دانش آموزان که فاقد مهارت بحث کردن هستند مواجه است. وضعیت U فضای مناسبی برای حرکت معلم در میان دانش آموزان فراهم میکند اما از معایب وضعیت U این است که بین معلم (اداره کننده بحث) و دانش آموزان فاصله عاطفی ایجاد می کند. همچنین فاصله مکانی بین دانش آموزان دو ردیف اول و آخر زیاد است. اما، وضعیت دایره ای شکل فاصله های مکانی دانش آموزان را به حداقل می رساند و فرصتهای گفتگو آزادانه میات آنان را افزایش می دهد. از معایب وضعیت دایره ای آن است که معلم نمی تواند آزادانه بین دانش آموزان حرکت

کند یا به سوی تخته برود؛ در مواردی این وضعیت ایجاب می کند که معلم بین دانش آموزان بنشیند.

ب) ضمن بحث : موفقیت آمیز بودن بحث در کلاس به چند مهارت ارتباطی و تعاملی بین معلم و دانش آموزان نیاز دارد. معلم به عنوان رهبر بحث باید کاملاً بر بحث تمرکز کند و با جلب کردن نظر دانش آوزان، آن را در مسیر خود نگاه دارد. همچنین، با گوش دادن به نظرات آنان، دانش آموزان را به مشارکت ترغیب و آنان را یاری دهد تا جریان بحث را دنبال و یادداشت کنند. (۱) تمرکز بحثها : در بسیاری از بحثهای کلاس سفنان فراوانی ایراد می شوند که با هدفهای اصلی درس یا تفکر دانش آموز ارتباط ناپذیری دارند یک بحث اثر بخش آن است که از موضوع اصلی خارج نشود و هدف را دنبال کند. بدین منظور، معلم در ابتدای بحث باید هدفها و مقاصد آن را بیان و دانش آموزان را برای شرکت در بحث آماده کند. همچنین، او می تواند سؤال بخصوصی یا موضوعی معما گونه طرح کند، به گونه ای که دانش آموزان قادر به فهم آن باشند و به آن پاسخ دهند؛ سؤال کردن یا طرح موضوعی که موجب جلب توجه دانش آموزان شود آغاز یک بحث خوب است.

(۲) کنترل رفتارهای کلاس : در جریان بحث؛ رفتارهای بسیاری می توانند آن را از موضوع اصلی خارج سازند. در برقی موارد، دانش آموزان، به طور عمد، می کوشند که معلم را از بحث منحرف کنند. برای مثال، به جای توجه به موضوع مورد بحث، در باره مسابقه فوتبال صحبت می کنند یا اینکه دانش آموز، موضوع یا سئوالی طرح می کند که با موضوع اصلی ارتباطی ندارد. این امر، بدفعات و بیشتر به وسیله دانش آموزانی رخ می دهد که مشکل تمرکز کردن دارند. همچنین دانش آموزان فرد سالتری که هنوز مهارتهای گوش دادن و

بمط کردن را نیاموخته اند به چنین اعمالی دست می زنند. در اینگونه موارد، معلم باید به آنان تذکر دهد که در حال حاضر، در باره موضوع اصلی صحبت و سایر موضوعات را به زمان مناسب موکول کنند.

۱۳) یادداشت کردن نکات عمده بمط : بهتر است نکات مهمی که در جریان بمط ایراد می شوند به نموی یادداشت شوند. معلم می تواند این نکات را که دانش آموزان طرح می کنند بر روی تخته بنویسد یا ارتباط موجود بین مفاهیم و نکات مورد بمط را با رسم یک نمودار ارتباطی نشان دهد. اما سئوالی که معلمان تازه کار با آن مواجهند این است که تا چه مد باید جزئیات بمط را یادداشت کرد و آیا باید همه نکات یادداشت شوند. تصمیم گیری در این مورد، به موقیت دانش آموزان و مقاصد بمط بستگی دارد، یعنی دانش آموزان که فاقد مهارتهای بمط کردن هستند، بهتر است همه نکات را بنویسند و دانش آموزانی که مجربترند می توانند تنها فهرست کلمات مهم را یادداشت کنند تا وقت بیشتری برای تبادل نظر باقی بماند. همچنین، هرگاه معلم از دانش آموزان بخواهد که درباره موضوعی اظهار نظر کنند یا به سئوالهای او پاسخ دهند، بهتر است بدون توجه به کیفیت آنها، نظرات و پاسخهای همه آنان را روی تابلو بنویسد.

۱۴) گوش دادن به نظرات دانش آموزان : گوش دادن معلم به سخنان و نظرات دانش آموزان موجب تقویت انگیزه آنان و فهم بهتر مطالب می شود. همچنین واکنش معلم نسبت به نظرات دانش آموزان باید با بی نظری همراه باشد، یعنی در صورت نادرست بودن عقایدشان، او در مقابل آنان موضع نگیرد، زیرا این امر سبب میشود که دانش آموزان فحالتی، از اظهار نظر مجدد خودداری کنند.

۵) فرصت پاسخ دادن : تحقیقات نشان داده اند که بسیاری از معلمان فرصت کافی به دانش آموزان نمی دهند تا درباره سئوالهایی که طرح کرده اند فکر کنند و سپس پاسخ دهند (آرنرز، ۱۹۴۴، ص ۳۹۰). شاید این امر به چند دلیل باشد : نخست اینکه، سکوت از نظر هنجار فرهنگی فوشایند نیست و بسیاری از افراد از ادامه سکوت ناراحت شده، در نتیجه به گفتگو ادامه می دهند. دوم اینکه برفی از معلمان حالت انتظار و سکوت در برابر پاسخ دانش آموزان را موجب از بین رفتن نظم، کاهش سرعت پیشرفت آموختن درس و سرانجام موجب صحبت کردن و سوء رفتار سایر دانش آموزان می دانند. با وجود این، توصیه می شود که دست کم ۳ ثانیه برای پاسخ دادن به سئوال در نظر گرفته، سپس سئوال دیگری طرح شود همچنین، تا زمانی که پاسخ سوال مشخص نشده است، معلم سئوال جدید را طرح نکند؛ البته، زمان انتظار برای شنیدن پاسخ به درجه دشواری سئوال نیز بستگی دارد.

۶) واکنش معلم نسبت به پاسخهای دانش آموزان: هرگاه، دانش آموزان به سئوالهای معلم پاسخ درست دهند، معلم نیز، به نموی پاسخ آنان را تایید و تمسین می کند، اگر چنین نباشد، واکنش معلم هم نسبت به دانش آموزان دشوارتر خواهد بود، در چنین شرایطی، معلم می تواند از رهنمودهایی بدین شرح استفاده کند :

معلم، پاسخ نادرست دانش آموز را با طرح کردن سئوال دیگری که پاسخ صحیح آن، همان پاسخ نادرست است مهم جلوه دهد. برای مثال، اگر معلم سئوال کند که (فسوف) چیست؟ و دانش آموز پاسخ دهد که فسوف یعنی (فورشید گرفتگی) معلم به جای اینکه بگوید پاسخ شما اشتباه است. می تواند بگوید اگر پرسیده بودم که (کسوف) چیست؟ جواب شما درست بود. پس از طرح سئوال، دانش آموز را برای رسیدن به جواب صحیح کمک و

راهنمایی کند. برای مثال، معلم می تواند در باره سؤال فوق بگوید فسوف وضعیتی است که زمین بین ماه و خورشید قرار می گیرد. معلم، دانش آموزان را مسئولیت پذیر سازد تا پاسمهای صحیح را فراهم گیرند. برای مثال، معلم می تواند بگوید: اگر در جلسه بعد این سؤال را طرح کنه، به طور متع، جواب صحیح را فواهید داد.

بهبود بخشیدن به جریان بحث: همانطو که معلمان به یادگیری و تمرین مهارتهای بحث کردن نیاز دارند، دانش آموزان نیز باید آنها را فرا گیرند. برای اینکه دامنه بحث در کلاس گسترش یابد و تا سر مد امکان همه دانش آموزان در آن مشارکت فعال داشته باشند، راهبردهایی که معلمان مجرب (در کشورهای غربی) به کار برده اند و اثر بخشی آنها در عمل تجربه شده است، به اختصار معرفی می شوند:

۱) تفکر- همفکری- مشارکت: این راهبرد برای به فکر وا داشتن دانش آموزان و افزایش مشارکت گروهی به کار می رود که در آن، مراملی طی می شوند:

تفکر: در این مرحله، معلم در مورد درس سؤال یا مسئاله ای طرح می کند و از دانش آموزان می فواهد به مدت یک دقیقه درباره آن بیندیشند. همفکری: سپس، معلم از دانش آموزان می فواهد که به صورت دو نفری اندیشه های خود را با یکدیگر در میان گذارند و به مدت ۴ تا ۵ دقیقه با یکدیگر تبادل نظر کنند.

مشارکت: در ادامه، معلم از گروههای دو نفری می فواهد نتیجه افکار خود را با همه افراد کلاس درمیان گذارند. البته ممکن است به علت کمبود وقت، همه آن گروهها نتوانند مشارکت کنند؛ اما، معلم باید مداکثر مشارکت را فواستار باشد.

۲) فرصت گوش دادن : در بسیاری از بحثها بعضی از دانش آموزان به صحبت‌های دیگران گوش نمی دهند، اما اجازه می گیرند که صحبت کنند. یک روش برای تقویت هارت گوش دادن این است که از همان دانش آموزی که می خواهد صحبت کند بخواهیم تا آنچه را دانش آموز قبلی گفته است توضیح دهد؛ در این صورت، آنان ناچار خواهند شد که به سخنان دیگران با دقت گوش کنند.

۳) جلوگیری از بحث انحصاری : به طور معمول در کلاسها همیشه عده بفرمودی، سخن گفتن و بحث کردن را به خود اختصاص می دهند و بقیه ساکت می مانند، برای اینکه در مشارکت دانش آموزان در بحث توازن ایجاد شود. معلم می تواند مسئولیت تدریس و نظارت بر مشارکت کلیه افراد کلاس بر عهده یکی از دانش آموزان بگذارد و او نیز به کسانی که بیش از یک بار صحبت کنند، با یادداشت کوتاهی تذکر دهد.

۴) استفاده از توپ پلاستیکی: این راهبرد برای تقویت مهارت مشارکت دانش آموزان فرد سال در صحبت کردن موثر است. در این راهبرد، معلم یک توپ پلاستیکی را به یکی از دانش آموزان می دهد و از او می خواهد که بحث را شروع کند و تذکر می دهد که فقط فردی که توپ در اختیار دارد می تواند صحبت کند و سایر افرادی که می خواهند صحبت کنند دست خود را بالا نگه دارند و پس از دریافت توپ صحبت کنند.

۷- بیان منظور دیگری (نقل قول) : معلم برای اطمینان یافتن از اینکه دانش آموزان منظور یکدیگر را فهمیده اند، از آنان می خواهد آنچه را دیگری گفته است با بیان خود تعبیر و تفسیر کند و توضیح دهد. البته

باید توجه داشت که هدف از بیان منظور دیگران، تکرار کلمه به کلمه سفنان ایراد شده نیست، بلکه بیان درک استنباط فرد از مطالب شنیده شده است همچنین شنونده می تواند ضمن توضیح و تشریح سفنان دیگران ، با ابتکار خود، یک مثال بزند، افزوت بر آن، هر شیوه ای که نشان دهد توانسته است سفنان دیگران را بفهمد مناسب است.